

بررسی نقوش کاشی‌های زرین‌فام با
موضوع صور فلکی در امامزاده جعفر
دامغان (باتأکید بر نسخه صور الكواكب
قرن هفتم هجری) / ۳۹-۵۱



نقش بز روی کاشی زرین‌فام،
امامزاده جعفر، دامغان، سده هفتم
هجری، مأخذ: www.louvre.fr

بررسی نقوش کاشی‌های زرین‌فام با موضوع صور فلکی در امامزاده جعفر دامغان (با تأکید بر نسخه صورالکواکب قرن هفتم هجری)*

*** محمد خزائی ** مجید بهدانی

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۲۶

تاریخ پذیرش: ۹۹/۵/۲۷

صفحه ۳۹ تا ۵۱

چکیده

فراگیری نجوم و باورهای کیهانی در سده‌های چهارم تا هفتم هجری بر جوانب مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و هنری جامعه ایران تأثیر عمیقی گذاشت به گونه‌ای که حجم گسترده‌ای از آثار هنری تولید شده در این بازه زمانی، نقوش تزئینی نجومی را شامل می‌شود. بی‌گمان آثار هنری بستری مناسب برای بازتاب فعالیت‌های علمی و اجتماعی و نیز باورهای عامیانه مردم است لیکن هنرمندان که خود جزئی از جامعه هستند، از اهمیت و جایگاه نجوم و باورهای کیهانی آگاهی داشته و نمادهای نجومی را در قالب نقوش تزئینی در آثار هنری از جمله کاشی منعکس نموده‌اند. از آنجاکه استفاده از نقوش حیوانی در مکان‌های زیارتی و مقدس در هنر ایرانی-اسلامی سابقه‌ای نداشته، لذا هدف پژوهش، واکاوی ارتباط نقوش انسانی، حیوانی و گیاهی کاشی‌های کوکبی و چلیپای امامزاده جعفر دامغان با این مکان مقدس است. در راستای این هدف، نقوش بخشی از کاشی‌های این مجموعه که در موزه لوور نگهداری می‌شود، تجزیه و تحلیل شده و ضمن تطبیق با نقاشی‌های کتاب صورالکواکب عبدالرحمن صوفی رازی، بر مفاهیم و باورهای نجومی نقوش تأکید شده است. سؤالات مقاله عبارتند از: ۱- بین نقوش کاشی‌ها و اشعار با کارکرد بنا چه ارتباطی وجود دارد؟ ۲- نقوش تزئینی کاشی‌های زرین‌فام امامزاده جعفر چه ارتباطی با باورها و مفاهیم نجومی دارند؟ ۳- با توجه به شباهت برخی از این نقوش با نقاشی‌های صورالکواکب، چه رابطه‌ای می‌توان مابین نقوش کاشی‌ها و نقاشی‌های صورالکواکب صوفی برقرار کرد؟ روش تحقیق این مقاله توصیفی-تحلیلی بوده و اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای گردآوری شده است. در راستای نتایج به دست آمده می‌توان گفت اشعار عاشقانه به کار رفته در حاشیه کاشی‌های زرین‌فام امامزاده جعفر ارتباط مستقیمی با نقوش و نیز کارکرد بنا ندارد و نقوش گیاهی، حیوانی و انسانی این کاشی‌ها صرفاً جنبه تزئینی نداشته بلکه حاوی مفاهیم نمادین نجومی است و تأثیرات آشکاری از نقاشی‌های صورالکواکب صوفی دارند.

واژگان کلیدی

کاشی زرین‌فام، صور فلکی، صورالکواکب، امامزاده جعفر، دامغان.

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «تحلیل صور نجومی در کاشی‌های کوکبی و چلیپای عصر ایلخانی» و به راهنمایی نویسنده دوم در گروه هنر اسلامی دانشگاه تربیت مدرس است.

** دانشجوی دکتری هنر اسلامی، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

*** استاد گروه گرافیک، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران. (نویسنده مسئول) Email: khazaiem@modares.ac.ir

Email: behdani59@gmail.com

مقدمه

اهمیت نجوم و باورهای کیهانی و نیز رواج آن در بین مردم در دوره اسلامی به حدی است که بسیاری از نقوش تزئینی هنر اسلامی را تحت‌الشعاع قرار داد. از سده‌های پنجم تا هفتم هجری شمار زیادی اشیای هنری باقی‌مانده که نمادهای نجومی بر روی آن‌ها نقش بسته است. این نمادها در قالب صورت‌های فلکی و در ظاهر نقش‌های گیاهی، حیوانی و انسانی تصویر شده‌اند. یکی از بسترهای تزئینی که نمادهای نجومی بر روی آن‌ها منعکس شده است، کاشی‌های زرین‌فام است. حجم زیادی از این کاشی‌ها با نقوش نجومی در موزه‌های مختلف دنیا نگهداری می‌شود. کاشی‌های زرین‌فام امامزاده جعفر دامغان نیز ذیل این کاشی‌ها از ارزش قابل‌توجهی برخوردارند. آنچه از مشاهده آن‌ها به ذهن متبادر می‌شود، عدم ارتباط نقوش حیوانی و اشعار عاشقانه نقش شده در کاشی‌ها با مکانی زیارتی و مقدس است. هدف این پژوهش بر همین موضوع استوار است که ارتباط بین نقوش انسانی، حیوانی و گیاهی کاشی‌های زرین‌فام امامزاده جعفر دامغان با این مکان مقدس آشکار شود.

سوالات این پژوهش عبارتند از: ۱- بین نقوش کاشی‌ها و اشعار با کارکرد بنا چه ارتباطی وجود دارد؟ ۲- نقوش تزئینی کاشی‌های زرین‌فام امامزاده جعفر دامغان چه ارتباطی با باورها و مفاهیم نجومی دارند؟ ۳- با توجه به شباهت برخی از این نقوش با نقاشی‌های صورالکواکب، چه رابطه‌ای می‌توان مابین نقوش کاشی‌ها و نقاشی‌های صورالکواکب صوفی برقرار کرد؟ در جهت پاسخ به پرسش‌های بالا به بررسی نقوش کاشی‌های زرین‌فام امامزاده جعفر دامغان که در موزه لوور نگهداری می‌شود پرداخته شد و این نقوش تزئینی با نقاشی‌های کتاب صورالکواکب که در دوره‌های مختلف تاریخی مصور شده، مقایسه شده است. **ضرورت و اهمیت تحقیق** آشکار نمودن مفاهیم نقوش کاشی‌های کوکبی و چلیپای امامزاده جعفر و ارتباطشان با باورها و جریان‌های هنری و فرهنگی عصر ایلخانی، است.

روش تحقیق

در این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی نقوش کاشی‌های کوکبی و چلیپا امامزاده جعفر دامغان و شیوه جمع‌آوری اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه‌ای مورد بررسی و بازبینی قرار گرفتند. جامعه آماری این تحقیق شامل نه (۹) کاشی امامزاده جعفر دامغان محفوظ در موزه لوور و دوازده (۱۲) نقاشی از نسخه مصور صورالکواکب قرن هفتم هجری محفوظ در موزه ملی پاریس است. بدین ترتیب ضمن معرفی بنای امامزاده و نسخه صورالکواکب به تطبیق نقوش با نقاشی‌ها پرداخته شد و بر نقاط مشترک تأکید شد. ضمناً روش تجزیه و تحلیل، کیفی می‌باشد.

۱. «مدار و محل حرکت سلانه خورشید در آسمان را که در نجوم امروز، دایره یا کمربند فرضی می‌گویند منجمان قدیم فلک‌البروج و نطاق البروج و منطقه البروج می‌گفتند» (ماهیار، ۱۳۹۲: ۱۱۴).

پیشینه تحقیق

پژوهش‌های فراوانی به تحلیل و بررسی صور نجومی در آثار هنری پرداخته‌اند. این پژوهش‌ها مشخصاً نقوشی را تحلیل کرده‌اند که آشکارا نشانه‌هایی از صور فلکی دارند و همه محققان در مورد کارکردشان متفق‌القولند. از این قبیل پژوهش‌ها می‌توان به مقالات زیر اشاره نمود. «بازتاب انواع صورت‌های فلکی در هنر سفالگری دوران اسلامی تا دوره صفوی و تطبیق آن‌ها با نمونه‌های موجود در کتاب صورالکواکب عبدالرحمن صوفی» نوشته سیدهاشم حسینی (۱۳۹۶)، «بررسی تطبیقی صور نجومی در نسخه صورالکواکب و آثار فلزی سده‌های پنجم تا هفتم هجری» نوشته مهناز قهاری گیگلو و مهدی محمدزاده (۱۳۸۹)، «مطالعه تطبیقی نقش اختران در مکاتب فلزکاری جزیره، شمال شرقی و شمال غرب ایران در سده‌های ۶ و ۷ هجری بر اساس آیین مفرغی موصل، جام پایه‌دار خراسان و قلمدان برنجی آذربایجان» نوشته فاطمه شریف‌الحسینی و طاهر رضازاده (۱۳۹۸).

در مورد کاشی‌های زرین‌فام کوکبی و چلیپا که تأکید این مقاله است نیز مطالعات فراوانی توسط محققانی همچون آلیور واتسون و عبدالله قوچانی صورت گرفته است. آلیور واتسون در کتاب «سفال زرین‌فام ایرانی» (۱۳۹۰) اشاره‌ای به کاشی‌های کوکبی و چلیپا دارد و ضمن معرفی بناهایی که با این نوع کاشی‌ها تزئین شده‌اند، به سازنده و محل ساخت آن‌ها نیز پرداخته است. عبدالله قوچانی در کتاب «اشعار فارسی کاشی‌های تخت سلیمان» (۱۳۷۱) به‌طور مفصل کاشی‌های کوکبی و چلیپای این کاخ را بررسی نموده و همان‌طور که از نام کتاب برمی‌آید به بررسی کتیبه‌های این کاشی‌ها پرداخته است. (۱۹۹۷) Stefano Carboni از نادر محققانی است که به ارتباط صور فلکی و آثار هنر اسلامی پرداخته است. او نقش صورت‌های فلکی منطقه البروج^۱ را در بیست شیء موزه متروپولیتن بررسی نموده است. اگرچه در خصوص کاشی‌های کوکبی و چلیپا در منابع پژوهشی مختلف، مطالبی آمده است اما در مورد ارتباط نقوش این نوع کاشی‌ها با بنایی که در آن قرار داشته‌اند و در ارتباط با مقبره امامزاده جعفر دامغان تاکنون پژوهشی مشاهده نشده است.

پیشینه اخترشناسی در ایران

صاعد اندلسی می‌نویسد: «از خصائص مردم ایران توجه آنان است به طب و احکام نجوم و علم تأثیر کواکب در دنیای فروردین و آنان را در باب حرکات کواکب ارساد قدیم بوده و مذاهب مختلف در فلکیات داشته‌اند» (صاعد اندلسی، ۱۳۸۲: ۹۲). «شاید به همین دلیل است که بازتاب باورها و پندارهای نجومی و کیهانی را در آثار باقیمانده از ایران باستان می‌بینیم. در ایران پیش از ورود آریایی‌ها، نقوش باقی‌مانده روی سفالینه‌های دوران پیش از تاریخ



تصویر ۲. نقش خورشید بر سفالینه های پیش از تاریخ لرستان. مأخذ: همان



تصویر ۱. نقش خورشید بر سفالینه های پیش از تاریخ تپه گیان. مأخذ: هاشمی و چیت سازیان، ۱۳۸۹: ۱۰۲

اوج خود رسید. در همین زمان و در دوره حکمرانی آل بویه فعالیت‌های به نسبت وسیعی از کارهای ستاره‌شناسی انجام شد و ماحصل آن اثر ارزشمند عبدالرحمن صوفی رازی (۳۷۶-۲۹۲ق) است به نام صورالکواکب. صوفی رازی یکی از سرشناس‌ترین منجمان و اخترشناسان شهیر ایرانی در دربار عضدالدوله دیلمی در اصفهان بود. او نتایج رصدهای دقیق چهل و هشت صورت فلکی را در این کتاب ذکر کرده است. این کتاب به سرعت عنوان معتبرترین منبع در این موضوع در جهان اسلام پیدا کرد که غالباً آن را با بهترین تصاویرهای آن آراستند.

اخترشناسی در سده‌های میانی علاوه بر کاربرد علمی، در پیشگویی و طالع بینی نیز بسیار مورد توجه قرار گرفت. طالع بینی شاخه‌ای از علم نجوم است که مشخص می‌کند چگونه حرکت ستاره‌ها و سیارات بر زندگی روزمره، رویدادها و شخصیت افراد تأثیر می‌گذارد. طالع بینی کسب و کار جدی بود که توسط دانشمندان برجسته، ریاضیدانان و نویسندگان مانند ابو معشر بلخی (۲۷۲-۱۷۲ق)، ابوریحان بیرونی (۴۴۰-۳۶۲ق) و خواجه نصیرالدین توسی (۶۵۳-۵۷۹ق) دنبال شد. تعداد زیادی از نسخه‌های خطی بازمانده در مجموعه‌های دولتی و خصوصی که با طالع بینی سروکار دارند از محبوبیت این موضوع در سراسر جهان اسلام سخن می‌گویند (Carboni, 1997: 3). تصاویر طالع بینی و طلسمی کم‌کم در فرهنگ و هنر قرون اولیه ایران رایج شد و ظروف و وسایل کاربردی مردم به تصاویر و کتیبه‌هایی حاوی این مفاهیم تزئین شد. این وسایل و ظروف دارای قدرت کیهانی بودند برای محافظت از صاحبشان در مقابل بیماری، بدبختی، شکست و اعمال نفوذ. وسایلی که به سفارش حاکمان، شاهزادگان و ثروتمندان ساخته می‌شد. (Carboni, 1997: 7) تصویرنگاری و تزئین صور فلکی بر هنر دوره سلجوقی هم تأثیر بسیاری گذاشت. نقوش آسمانی اصلی‌ترین نقوش تزئینی در هنرهای این روزگار بود. در هیچ‌یک از دوره‌های تاریخی ایران تا این اندازه به موضوعات نجومی پرداخته نشده است. تجدید حیات نجوم اسلامی در ایران قرن هفتم هجری با تأسیس رصدخانه معروف مراغه به دست خواجه نصیرالدین طوسی و گرد هم آمدن دانشمندان صورت گرفت. در واقع می‌توان گفت با مکتب مراغه و ساخت رصدخانه عظیم آن فصل جدیدی

ایران توجه مردم این سرزمین را به ستاره‌ها به خوبی نشان می‌دهد. در بسیاری از تپه‌های باستانی ایران، نشانه‌هایی از دانش اخترشناسی ایرانیان پیش از هزاره یکم قبل از میلاد به دست آمده است. نشانه‌های نجومی در تپه‌های تاریخی ایران (مانند تپه گیان نهاوند، تپه حصار دامغان و ...) را می‌توان بر روی برخی تکه سفالینه‌ها و تراشه‌های ابزارهای سنگی به دست آمده از آن‌ها مشاهده کرد (گیاهی یزدی، ۱۳۸۸: ۲۲). (تصویر ۱ و ۲)

ایرانیان از نخستین مردمانی هستند که میان نمادهای آسمانی و جنبه‌های معنوی و یزدانی پیوند برقرار ساخته‌اند. آنان نیز همچون اقوام همسایه خود (سومر و بابل) ستارگان را مثل موجوداتی تصور می‌کردند (پرنندگان، جانوران، زنان، مردان و ماهیان) که روی زمین با آن‌ها سروکار داشتند لذا در مورد آن‌ها دست به افسانه‌سرایی می‌زدند. این ویژگی را در فرهنگ اساطیری ایران می‌توان مشاهده کرد.

پیشینه روش اخترشناسی در ایران پیش از اسلام، با پدید آمدن زیچ شهریاری آغاز شد. رساله زیچ ۱ شاهی یا زیچ شهریاری در قرن ششم میلادی و در زمان شهریاری انوشیروان تألیف شده است. این زیچ که اصل آن از بین رفته فراوان مورد استفاده منجمان واقع شده است. این زیچ را شاید بتوان اولین زیجی دانست که به عربی ترجمه شده و یکی از پایه‌های زیج‌های اسلامی به شمار آورد (ولایتی، ۱۳۹۱: ۲۸). دانش ستاره‌شناسی و نجوم و ریاضی ایرانیان، در دوره اسلامی گنجینه‌ای است که بدون شک در روشن کردن مشعل فروزان علوم امروزی جهان بی‌تأثیر نبوده است. پس از اینکه مسلمانان ایران را فتح کردند با سنت نجومی ایران آشنا شدند. این آشنایی و به دنبال آن تأثیرگذاری غالباً از دو طریق صورت گرفت: ورود دانشمندان ایرانی به عرصه حکومت و دیگری ترجمه کتب نجومی به عربی. منجمان ایرانی سهم زیادی در پیشرفت نجوم دوره اسلامی ایفا کردند. «در سده دوم و سوم هجری به سبب حمایت خلفای عباسی از فعالیت‌های علمی، بسیاری از اخترشناسان ایرانی، به بغداد مهاجرت کردند. این افراد در تأسیس و سرپرستی نخستین رصدخانه‌های دوره اسلامی نقش به سزایی داشتند و نخستین کتاب‌های نجومی دوره اسلامی را تألیف کردند» (گیاهی یزدی، ۱۳۸۸: ۲۹). سده‌های چهارم تا ششم هجری رواج علوم در ایران به

۱. «زیچ: تارهایی باشد که استادان نقش‌بند، نقش جامه‌هایی که بافند، بدان بندند؛ و کتابی که منجمان، احوال نجوم و افلاک را از جداول آن معلوم کنند و همچنان که آن قانونی است جامه‌باغان را در بافتن نقشه‌های جامه، این کتاب نیز دستوری است منجمان را در شناختن احوال و اوضاع فلکی؛ و همچنان که کیفیت نقوش جامه‌ها از آن تارها پیدا شود، کمیات و حرکات کواکب از جدول‌های این کتاب ظاهر می‌گردد و معرب آن زیچ است» (خلف تبریزی، ۱۳۴۲: ۱۰۵۲)

بررسی نقوش کاشی‌های زرین‌فام با موضوع صور فلکی در امامزاده جعفر دامغان (باتاکی‌دبرنسخه‌صورالکواکب قرن هفتم هجری) ۳۹۷-۵۱



تصویر ۴. کاسه، ایران، سده پنجم هجری، موزه مترو پاولیتن نیویورک، مأخذ: carboni, 1997:20



تصویر ۳. صفحه‌ای از نسخه دست‌نویس مونس الاحرار، اصفهان، ۷۴۱ هـ.ق، موزه مترو پاولیتن نیویورک، مأخذ: carboni, 1997:28

در نجوم اسلامی گشوده شد. (نصر، ۱۳۹۳: ۶۹)

بازتاب نقوش نجومی در آثار هنری ایران

در تاریخ ایران، از گذشته دور بین مذهب، باورها، اعتقادات و هنر ارتباطی تنگاتنگ و پیوسته وجود داشته و بازتاب این ارتباط به صورت نمادها اتفاق افتاده است. نمادها برای مردمان باستان به همان دلیل که ذکر شد از جایگاهی ویژه و مقدس برخوردار بودند. مطالعه نقوش سفالینه‌ها و نمادهای به‌کاررفته در آن‌ها گویای آن است که مردمان باستان از تصورات ذهنی نیرومندی برخوردار بودند و به زیبایی بین باورها و اعتقادات خود و طبیعت پیرامونشان ارتباط برقرار می‌کردند. از طرف دیگر این مردمان در کاربرد این نمادها به جنبه زیبایی‌شناسی توجه داشته و از آن‌ها به‌عنوان تزئین نیز استفاده می‌کردند. تزئین در هنر ایرانی-اسلامی به‌ویژه در هنر کاشی‌کاری از جایگاه مهمی برخوردار است زیرا تزئینات هدفمند صورت می‌گیرد تا علاوه بر زیبایی ظاهری، مسئولیت مهم انتقال معانی بلند اسلامی-ایرانی را نیز به انجام رساند. حال می‌توان گفت نقوش به‌کاررفته در آثار هنری ایران همچون سفالینه و کاشی صرفاً جهت تزئین نبوده بلکه در پشت ظاهر خود مفاهیمی عمیق نهفته دارند که گویای باورها و اعتقادات مردمان آن زمان است.

از میان مفاهیم و باورها، آسمان و آنچه در آن است از گیرایی و جاذبه‌ای خاص برای مردمان گذشته برخوردار بوده و در نتیجه میان خورشید، قمر، اختران و صور فلکی و زندگی پیرامون خود رابطه‌ای نمادین برقرار نمودند. استفاده از مفاهیم نجومی و صور فلکی توسط ستاره‌شناسان مخصوصاً و دیگر مردمان عموماً برای یافتن نشانه‌های

خوشبختی و ناخوشی (سعد و نحس) استفاده می‌شده است (تصویر ۳) و بسیاری از فعالیت‌های روزانه‌شان را تحت تأثیر قرار می‌داده است. پندارهای کیهانی و مفاهیم نجومی در آثار هنری دوره‌های مختلف ایران مخصوصاً سده‌های پنجم تا هفتم هجری بازتاب گسترده‌ای داشته‌اند که حاکی از این است که نجوم و باورهای مربوط به آن در زندگی مردم تأثیر فراوانی داشته و در بسیاری از جوانب اقتصادی، سیاسی و اجتماعی حکومت کاربرد داشته و مورد استفاده واقع شده است. (تصویر ۴)

معرفی بقعه امامزاده جعفر دامغان

بقعه امامزاده جعفر که در وسط شهر دامغان قرار دارد به دوران سلجوقی (قرن پنجم هـ.ق) و حتی پیش از آن برمی‌گردد. «عده‌ای تاریخ احداث بنای امامزاده جعفر را به پیش از دوره‌ی سلجوقیان نسبت می‌دهند و بر آن‌اند که در هنگامی که دامغان در تصرف آل زیار بوده است، حکام شیعی مذهب این سلسله بقعه مزبور را ساخته‌اند» (حاجی قاسمی، ۱۳۸۹: ۲۷۲). این بقعه با طرح چهارگوش و به کمک هشت نیم طاق مقرنس به هشت ضلعی تبدیل گشته و سپس گنبد بنا روی آن واقع شده است. در چهار طرف بقعه چشمه طاق‌هایی است که یکی از آن‌ها به داخل امامزاده راه دارد. داخل بنا سفیدکاری شده و هیچ‌گونه تزئینی ندارد. گنبد به صورت شلجمی و از آجر ساده بنا شده است. در کل تمامی بنا (به‌جز ایوان اصلی) ساده و بدون تزئین ساخته شده است. (تصویر ۵)

ایوان اصلی و ورودی بقعه (ضلع جنوبی) تنها محل تزئین این بنا بوده است. کاشی‌های زرین‌فام ستاره و صلیب در گذشته دیواره‌های ایوان ورودی این بنا را تزئین نموده که

۱. شجره امامزاده بر روی سنگ قبر چنین ثبت شده است: «هذا قبرالإمام الهمام المقتول قره العین الرسول جعفر بن حسن بن علی بن عمر بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب سلام الله علیه.» امامزاده جعفر (علیه السلام) را منابع و مأخذ معتبرانساب از نسل امام زین العابدین (علیه السلام) با چهار واسطه می‌دانند. (فقه بحر العلوم، ۱۳۹۳)



تصویر ۵. بقعه امامزاده جعفر، جبهه جنوبی، دامغان، احتمالاً سده پنجم هجری، مأخذ: حاجی قاسمی، ۱۳۸۹: ۲۷۱.

ایران است و احتمال می‌رود که محل اصلی ساخت آن‌ها کاشان باشد» (دیماند، ۱۳۸۹: ۱۹۱). در حال حاضر تعداد قابل توجهی از این کاشی‌های زرین‌فام در موزه‌های لوور پاریس و پرگامون برلین نگهداری می‌شود. بر روی برخی از کاشی‌ها سنه خمس و ستین و ستمائه (۶۶۵ هجری) نوشته شده و اثری از محل ساخت دیده نمی‌شود.

نسخه مصور صورالکواکب عبدالرحمن صوفی

صورالکواکب معروف‌ترین اثر صوفی رازی است که وی آن را به سال ۲۵۳ هجری برای عضدالدوله دیلمی نگاشته است. عبدالرحمن بن عمر بن سهل صوفی رازی (۳۷۶-۲۹۱



تصویر ۶. کوزه با نقش صورفلکی منطقه البروج، اواخر دوره سلجوقی، مأخذ: www.Ashmolean.org

متأسفانه امروزه اثری از آن‌ها در این بنا دیده نمی‌شود. اکنون به جای کاشی‌های ارزشمند زرین‌فام، کاشی‌های ساده‌ی هشت پر به رنگ‌های آبی آسمانی و لاجوردی در ورودی بنا دیده می‌شود. اعتمادالسلطنه در سفرنامه خود با عنوان "مطلع الشمس" به وصف این امامزاده و مخصوصاً کاشی‌های آن پرداخته است: «از صحن که می‌خواهند داخل بقعه امامزاده شوند مدخل عبارت است از ایوانی که دو سمت آن تا حد کتیبه کاشی‌کاری است و سمت جنوب آن یکجا کاشی سبز روشن و سرمه‌ای است و طرف شمال تقریباً یک ثلث بالا کاشی‌های بسیار ممتاز که مثل چینی و از جنس کاشی‌های ازاره‌ی حرم حضرت رضا سلام‌الله‌علیه است و بر دو شکل است. قسمی که خشت‌های آن بزرگ‌تر است هشت ضلع دارد و قسم کوچک‌تر دوازده ضلع و بر روی این کاشی‌ها به خط نسخ به قلم خفی به فارسی و عربی اشعار و عباراتی نوشته شده که ذیل نگاشته می‌شود و روی بعضی دیگر صورتی نقش کرده‌اند از جمله صورت شیر و خورشید و صورت فیل و گاو سوار و صورت مرد و زن باهم و صورت دو زن و صورت شیر و مرغابی و کرگدن و ماهی و صیاد ماهی و گرگ و خرگوش و دو پلنگ که سروی در میان آن‌هاست و گل‌وبته و صورت چهار زن باهم و یک زن و پلنگ تنها و طیور و روباه می‌باشد» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱۰۶۲). دیماند نیز در کتاب راهنمای صنایع اسلامی می‌آورد: «از نظر دقت در ترسیم و خاصیت تزئین، کاشی‌های دامغان از عالی‌ترین نمونه سفال جلادار



تصویر ۹. صورت فلکی ناتالکرسی، صور الکواکب، سده هفتم هجری، مأخذ: www.qdi.qa



تصویر ۸. نقش زن روی کاشی زرین‌فام، امامزاده جعفر، دامغان، سده هفتم هجری، مأخذ: www.louvre.fr



تصویر ۷. بشقاب آبی- سفید با نقش صور فلکی منطقه البروج، دوره صفوی، موزه برلین، مأخذ: www.pinterest.de



تصویر ۱۲. صورت فلکی اسد، بخشی از بشقاب آبی-سفید، دوره صفوی، موزه برلین، (بخشی از تصویر ۷)، مأخذ: www.pinterest.de



تصویر ۱۱. صورت فلکی اسد، صورالکواکب، کتابخانه ملی پاریس، سده هفتم هجری، مأخذ: www.gallica.bnf.fr



تصویر ۱۰. نقش شیر روی کاشی زرین‌فام، امامزاده جعفر، دامغان، سده هفتم هجری، مأخذ: www.louvre.fr

دیگر. نسخه‌های مصور بی‌شماری از صورالکواکب باقیمانده که هم‌اکنون در موزه‌ها و کتابخانه‌های دنیا نگهداری می‌شوند. نسخه مصوری که در این مقاله با نقوش کاشی‌های کرکبی و چلیپای امامزاده جعفر دامغان مورد تطبیق قرار گرفته: مربوط است به سال ۶۶۵ هجری که به شماره ۲۴۸۹ در کتابخانه ملی پاریس نگهداری می‌شود. این نسخه به جهت هم‌زمانی با سال‌های ساخت کاشی‌های مذکور، بهترین سند جهت بررسی و تحلیل نقوش نجومی کاشی‌ها می‌باشند.

نقوش نجومی در کاشی‌های امامزاده جعفر دامغان و تطبیق آن با نقاشی‌های نسخه صورالکواکب

در سده هفتم هجری به دلیل گستردگی علم نجوم و علاقه و تمایل هر چه بیشتر اقتشار جامعه و از جمله امرا و طبقات درباری مغول به نجوم، پیشگویی و طالع بینی، شاهد ساخت گسترده ابزارآلات نجومی و نیز اشیایی همچون دوات و قلمدان با نقوش نجومی هستیم. در این دوره کاشی‌های زرین‌فام فراوانی با نقوش صور فلکی در کاشان تولید شد که از جمله می‌توان به کاشی‌های کرکبی امامزاده جعفر دامغان اشاره کرد.

ق) از منجمان برجسته عصر آل بویه است که در ری به دنیا آمد. او به سال ۳۳۷ هجری به خدمت عضدالدوله مشرف شد و مدت‌ها استاد نجوم وی بود. کتاب صورالکواکب در مورد ستارگان ثابت است و بر پایه کتاب معروف یونانی، المجسطی بطلمیوس تدوین شده است. «اگرچه بنیان اصلی کتاب یادشده بر المجسطی بطلمیوس استوار است؛ اما صوفی در اثر خود به تکرار قول بطلمیوس و تقلید از وی بسنده نکرده و روش غیر یونانی یکایک اجرام آسمانی را برحسب مواضع فلکی آن‌ها رصد کرده و چند ستاره و سحابی جدید نیز کشف کرده که به اسم او معروف است. اثر صوفی علاوه بر مباحث بدیع علمی، با نقد و رد نظریه پیشینیان یا معاصران نیز توأم است» (حجتی، ۱۳۹۳: ۳۶۶).

صورالکواکب پس از تألیف مورد توجه منجمان در جهان اسلام قرار گرفت به طوری که نسخه‌های متعددی از آن در سرزمین‌های اسلامی منتشر و به زبان‌های مختلف ترجمه شد. قدیمی‌ترین و زیباترین نسخه مصور این کتاب مربوط است به سال ۴۰۰ هجری که هم‌اکنون در کتابخانه بودلیان آکسفورد نگهداری می‌شود. تصاویر صور فلکی در این نسخه نمونه و الگویی شد برای نسخه‌های مصور



تصویر ۱۵. نقش عقاب روی کاشی زرین فام، امامزاده جعفر، دامغان، سده هفتم هجری، مأخذ: www.louvre.fr



تصویر ۱۴. صورت فلکی جوزا، صورالکواکب، کتابخانه ملی پاریس، سده هفتم هجری، مأخذ: www.gallica.bnf.fr



تصویر ۱۳. نقش دو پیکر روی کاشی زرین فام، امامزاده جعفر، دامغان، سده هفتم هجری، مأخذ: www.louvre.fr



تصویر ۱۸. صورت فلکی دجاجة، صورالکواکب، کتابخانه ملی پاریس، سده هفتم هجری، مأخذ: www.gallica.bnf.fr



تصویر ۱۷. نقش قو روی کاشی زرین فام، امامزاده جعفر، دامغان، سده هفتم هجری، مأخذ: www.louvre.fr



تصویر ۱۶. صورت فلکی عقاب، صورالکواکب، کتابخانه ملی پاریس، سده هفتم هجری، مأخذ: www.gallica.bnf.fr

زن نشسته: این فیگور از مهم‌ترین نقوش صور فلکی است که نماد ذات‌الکرسی می‌باشد. ذات‌الکرسی از صورت‌های فلکی شمال است. «در بیان صورت ذات‌الکرسی، پیشینیان چنین تخیل نموده‌اند، صورت زنی را که بر کرسی نشسته و آن کرسی قائمه است مثل قائمه منبر و بر آن مسندی انداخته و بر روی مسند منبر نشسته و پای خود را آویخته» (طبری، ۱۲۶۴: ۷). ابوریحان نیز در بیان این صورت می‌گوید: «صورت ذات‌الکرسی، خداوند کرسی چون زنی نشسته بر تختی بر کردار منبر» (بیرونی، ۱۳۵۲: ۹۲). بیرونی در شرح ستاره‌ای با عنوان کف الخضیب که در این صورت فلکی واقع شده می‌گوید: «و اما آن روشن که بر منبر خداوند کرسی (ذات‌الکرسی) است او را کف الخضیب ای دست حنا بسته از دو دست پروین و گروهی مر کف الخضیب را کوهان شتر (سنام الناقه) خوانند زیرا تازیان از کواکب خداوند کرسی، اشتتری تصور کنند» (بیرونی، ۱۳۵۲: ۱۰۲). در تصویر کاشی امامزاده جعفر، زن در محلی همچون کجاوه شتر نشسته است که شاید اشاره به گفته ابوریحان بیرونی در خصوص کف الخضیب باشد. (تصویر ۱۷) جالب توجه است که در دو

کاشی‌های زرین فام امامزاده جعفر که در حال حاضر در موزه‌های مختلف جهان از جمله لوور پاریس نگهداری می‌شود با نقوش حیوانی، گیاهی و انسانی تزئین شده‌اند. استفاده از کاشی‌های زرین فام با نقوش مذکور در مکانی مقدس در هنر ایرانی-اسلامی تاکنون دیده نشده و به نظر سنخیتی ندارد. لذا با دقت و تأمل در این نقوش و مقایسه با نقوش سفالینه‌های دوره اسلامی همچون کوزه‌ی متعلق به دوره سلجوقی (تصویر ۶) و بشقاب آبی-سفید دوره‌ی صفوی (تصویر ۷) و نیز نقاشی‌های صورالکواکب به کاربرد مفهومی و نمادین این تزئینات پی می‌بریم. نقوش حیوانی و انسانی تنها جنبه تزئینی صرف نداشته بلکه در یک گستره مفهومی با عنوان صور فلکی قرار می‌گیرند که در ادامه به آن پرداخته می‌شود. با توجه به اینکه منابع مختلفی، از کاشی‌های این بقعه به عنوان کاشی‌های بسیار ارزشمند و عالی یاد کرده و به نقوش حیوانی و گیاهی آن اشاره داشته‌اند اما در خصوص جنبه نمادین این نقوش حرفی به میان نیاورده‌اند لذا با مقایسه نقوش‌های هر کدام از کاشی‌ها با نقاشی‌های نجومی صورالکواکب به شرح و بسط مفاهیم نمادین آن‌ها خواهیم پرداخت.

۱. کوزه لعابی دوره سلجوقی محفوظ در موزه آشمولین و بشقاب آبی‌سفید دوره صفوی محفوظ در موزه برلین هر دو ذیل عنوان نقوش صور فلکی منطقه البروج در این موزه‌ها شناخته می‌شوند. جهت اطلاع بیشتر رجوع کنید به: حسینی، سیدهاشم، (۱۳۹۶). «بازتاب انواع صورت‌های فلکی در هنر سفالگری دوران اسلامی تا دوره صفویه و تطبیق آن با نمونه‌های موجود در کتاب صورالکواکب عبدالرحمن صوفی». فصلنامه نگره، ش ۴۱، بهار/صص ۱۲۵-۱۱۳.

بررسی نقوش کاشی‌های زرین‌فام با موضوع صورت فلکی در امامزاده جعفر دامغان (باتاکی‌دبرنسخه صورالکواکب قرن هفتم هجری) ۳۹-۵۱



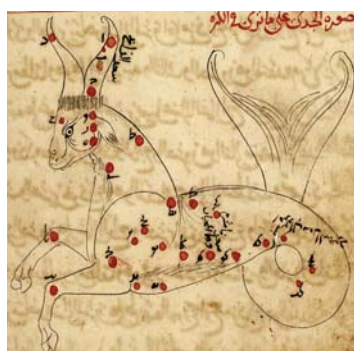
تصویر ۲۱. نقش گوسفند روی کاشی زرین‌فام، امامزاده جعفر، دامغان، سده هفتم هجری، مأخذ: www.louvre.fr



تصویر ۲۰. صورت فلکی دب، صورالکواکب، کتابخانه ملی پاریس، سده هفتم هجری، مأخذ: www.gallica.bnf.fr



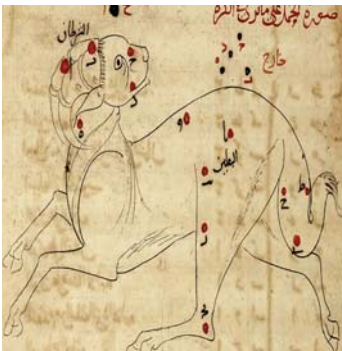
تصویر ۱۹. نقش خرس روی کاشی زرین‌فام، امامزاده جعفر، دامغان، سده هفتم هجری، مأخذ: www.louvre.fr



تصویر ۲۴. صورت فلکی جدی، صورالکواکب، کتابخانه ملی پاریس، سده هفتم هجری، مأخذ: www.gallica.bnf.fr



تصویر ۲۳. نقش بز روی کاشی زرین‌فام، امامزاده جعفر، دامغان، سده هفتم هجری، مأخذ: www.louvre.fr



تصویر ۲۲. صورت فلکی حمل، صورالکواکب، کتابخانه ملی پاریس، سده هفتم هجری، مأخذ: www.gallica.bnf.fr

به کام تو بادا همه کار تو خداوند بادا نگه‌دار تو

شیر:

پنجمین برج و قلب منطقه البروج، شیر یا اسد است. نقش شیر به‌عنوان یک نشان و نماد از جایگاه مهمی در هنر ایران به‌ویژه دوره اسلامی برخوردار است. این نقش طی دوره‌های مختلف فرهنگ ایران، مفاهیم مختلفی را در برداشته که گمان می‌رود قدیمی‌ترین مفهوم نمادین شیر در علم نجوم استفاده شده است. در دوره اسلامی نقش شیر به‌تنهایی یا به‌صورت ترکیبی با خورشید به‌ویژه در دوره سلجوقیان بسیار دیده می‌شود. «به خاطر تعصب و سرسختی سلجوقیان نسبت به شیعیان این نقش به‌عنوان نماد شیعه در امامزاده‌ها و مراکز شیعی و در دوره‌های بعدی در حکومت شیعیان مورد استفاده قرار گرفته است. در اینجا نقش خورشید به‌عنوان نماد پیامبر (ص) و شیر به‌عنوان نماد حضرت علی (ع) منظور شده است» (خزایی، ۱۳۸۰: ۳۸). میان ستاره شناسان برج اسد (شیر) خانه خورشید است و هرگاه خورشید در برج اسد (شیر) جای گیرد، زمان آسایش و آرامش است. در یک نسخه‌ی ناتمام

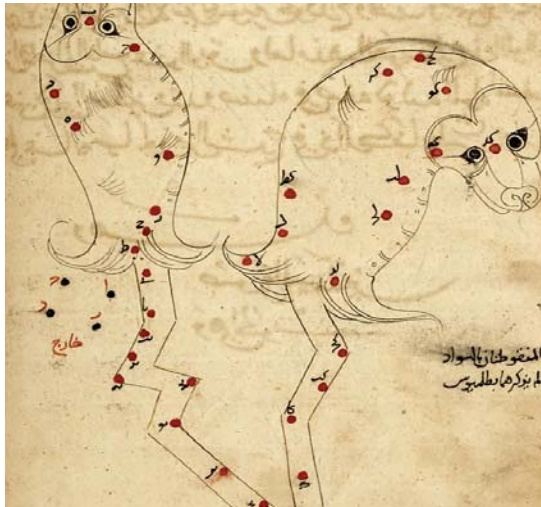
نسخه از کتاب مصور صورالکواکب محفوظ در کتابخانه بودلیان و دیگری محفوظ در کتابخانه ملی پاریس، صورت ذات‌الکرسی به همراه شتری تصویر شده است. (جدول ۱) در اطراف و روی لباس زن نقوش گیاهی می‌بینیم که در کاشی‌های زرین‌فام کاشان سده هفتم رایج است. در حاشیه این کاشی اشعاری از کمال‌الدین اسماعیل (۶۳۵-۵۶۸ ه.ق) (با اندکی تغییر) و فردوسی آمده است که هیچ ارتباط موضوعی با نقش ندارد. من دوش در آرزوی رویت هر دم در رنگ گل و باده نگه می‌کردم با ساغر و با رباب تا روز سپید بر یاد لب‌ت (رخت) می‌زدم و می‌خوردم (خلیل شروانی، ۱۳۷۵: ۶۲۷)

بخور هر چه داری فزونی بده

تو رنجیده‌ای بهر دشمن منه

نگه‌دار بادا جهان‌آفرین

بهر جا که باشد خداوند این بیت فوق در بسیاری از کاشی‌ها و بشقاب‌های ساخته شده در کاشان دیده می‌شود و شاعر آن مشخص نیست. در پایان با دعای خیر پایان یافته است.



تصویر ۲۶. صورت فلکی حوت، صورالکواکب، کتابخانه ملی پاریس، سده هفتم هجری، مأخذ: www.gallica.bnf.fr



تصویر ۲۵. نقش ماهی روی کاشی زرین فام، امامزاده جعفر، دامغان، سده هفتم هجری، مأخذ: www.louvre.fr

دوپیکر:

دوپیکر که جوزا یا توأمان هم نامیده می‌شود یکی از صورت‌های فلکی منطقه البروج است و در شب‌های زمستان قابل مشاهده است. ابوریحان درباره شکل جوزا گوید: «همچون دو کودک به پای ایستاده، که هر یکی دست بر گردن دیگری پیچیده دارد» (بیرونی، ۱۳۵۲: ۹۰). «در احکام نجومی صاحب طالع جوزا پاکیزه و کریم و خداوند لهو و دوستدار دانش و علم‌های آسمانی با حافظه قوی و دارای سیاست و دورویی نیز وصف شده است» (مصفی، ۱۳۵۷: ۱۶۷). در این کاشی دو پیکره (زن و مرد) به صورت نشسته و روبروی هم دیده می‌شوند. (تصویر ۱۳ و ۱۴) در اینجا نیز نقوش گیاهی، پرند و شاخص کاشی‌های زرین فام کاشان و برکه ماهی دیده می‌شوند. این نقش اگرچه کاملاً با نقاشی صورالکواکب و نیز گفته بیرونی مطابقت ندارد (چه از نظر جنسیت و چه از نظر ترکیب بندی) اما گویای یک مفهوم نجومی است که هنرمند آن همچون کاشی‌های دیگر در پی آن بوده است. از طرف دیگر حضور این نقش در کوزه‌ی لعابی دوره سلجوقی و بشقاب آبی-سفید دوره صفوی مفهوم نجومی آن را تأیید می‌کند. نقاط آبی‌رنگ لباس فیگور در اینجا نیز همان جایگاه ستارگان در برج جوزا است. این نقاط در نقاشی صورالکواکب به رنگ قرمز مشخص شده است.

رباعیاتی از مجدالدین بغدادی (۶۰۷-۵۵۴ ق) و مهستی گنجوی (۵۷۷-۴۹۰ ق) در حاشیه کاشی آمده است. شاید اشعار عاشقانه برخلاف کاشی‌های قبلی با تصویر متن ارتباط داشته باشند.

دانی که چراست ای پسندیده من

پراشک دو دیده ستم دیده من

از صورالکواکب قرن دوازدهم هجری (جدول ۱) و همچنین در بشقاب آبی-سفید (تصویر ۱۲) صورت اسد همراه با خورشید نقاشی شده است. در کاشی امامزاده جعفر نیز نقش شیری که در پس آن خورشیدی تابان است دیده می‌شود که با مقایسه و تطبیق با نقاشی صورالکواکب و بشقاب آبی-سفید، به مفهوم نجومی آن پی می‌بریم. از طرف دیگر نقاط تیره‌ای که بر روی بدن شیر در کاشی دیده می‌شود احتمالاً همان جایگاه ستارگان در صورت فلکی اسد است که در نقاشی صورالکواکب نیز می‌بینیم. نقش برکه آب به همراه ماهی که در سفالینه و کاشی‌های کاشان سده هفتم رایج بوده در پایین کاشی دیده می‌شود. در اطراف این نقش رباعیاتی از مهستی گنجوی (۵۷۷-۴۹۰ ق) و نیز بابا افضل کاشانی (وفات ۶۶۷ ق) آورده شده که احتمالاً بر خوش‌یمن بودن و آسایش و آرامش این زمان (منزلگاه خورشید در برج اسد) دلالت دارد. (تصویر ۱۰ و ۱۱)

غم با لطف تو شادمانی گردد

عمر از نظر تو جاودانی گردد

گر باد به دوزخ برد از کوی تو خاک

آتش همه آب زندگانی گردد

(مهستی گنجوی، ۱۹۸۵: ۲۶)

رو دیده بدوز تا دلت دیده شود

زان دیده جهان دگرت دیده شود

گر تو ز سر پسند خود برخیزی

احوال تو سربه‌سر پسندیده شود

(کاشانی، ۱۳۶۶: ۷۵۵)

در ادامه رباعی‌ها این بیت نیز از فردوسی آمده است:

بخور هر چه داری فزونی بده

تو رنجیده‌ای بهر دشمن منه



تصویر ۲۷. صورت فلکی حوت، بخشی از بشقاب آبی-سفید، دوره صفوی، موزه برلین. (بخشی از تصویر ۷). مأخذ: www.pinterest.de

می‌بگشاید ز آرزوی لب تو

آب از دهن مردمک دیده من
(خلیل شروانی، ۱۳۷۵: ۶۲۸)

دل جای غم توست چنان تنگ که هست
گل چاکر روی تو به هر رنگ که هست
از آب دو چشم من بگردد هر شب
جز سنگ دلت هر آسیاسنگ که هست
(مهستی گنجوی، ۱۹۸۵: ۱۴)

عقاب:

از دیگر نمادهای نجومی که در کاشی‌های امامزاده جعفر دیده می‌شود نقش عقاب است. عقاب از صورت‌های شمالی است. «این نماد بر صورت سه کوکب مشهور است که به آن نسر طایر می‌گویند و عرب آن سه کوکب صف‌کشیده را نسر طایر نامیده‌اند بدان سبب که نسر واقع به ازای او است و چون واقع را بال فروافکنده دارد، واقع خوانده‌اند. این نسر را که بال گسترده‌ای دارد، طایر خوانده‌اند یعنی پنداری می‌پرد» (صوفی، ۱۳۶۰: ۱۰۲). نقش شش عقاب بر روی یک کاشی امامزاده دیده می‌شود که چهارتا از آن‌ها یکی از بال‌های خود را گشوده‌اند که شباهتی کامل با نقش عقاب صورالکواکب دارد. (تصویر ۱۵ و ۱۶) با دقت در نقش کاشی، شاهد نقاطی بر روی بدن عقاب همچون نقاشی صورالکواکب هستیم. این نقاط جایگاه ستارگان برج عقاب هستند.

کنون خور داند می خوشگوار
که می بوی مشک آید از جویبار
هوا پر خروش و زمین پر ز جوش
شده سبزه و دشت لاله فروش
همه بوستان زیر برگ گلست
همه کوه پر لاله و سنبلست
(فردوسی)

قوچ:

صورت برج حمل در بین اخترشناسان به صورت گوسفند نر (قوچ) شبیه شده است که از صورت‌های منطقه البروج است. در کاشی زرین‌فام امامزاده جعفر دو قوچ در وسط کاشی و در بین نقوش گیاهی در حال دویدن هستند. در بالا یک خرگوش به عنوان نماد صورت فلکی ارنب و در پایین یک سگ به عنوان نماد صورت فلکی کلب مشاهده می‌شود. (تصویر ۲۱ و ۲۲) در اینجا نیز نقاط تیره روی بدن گوسفندان حکایت از جایگاه ستارگان دارد که در نقاشی صورالکواکب دیده می‌شود.

بز: بز نشان برجی جدی است که از صور فلکی منطقه البروج می‌باشد. بز نری که بر روی چهارپا ایستاده است. ابوریحان در شرح این صورت می‌گوید: «این تا بر و شکم چون نیمه پیشین از بز است و باقی چون نیمه پسین از ماهی با دنبال» (بیرونی، ۱۳۵۲: ۹۰). در نقاشی صورالکواکب نیمی از بز همچون ماهی دیده می‌شود. در کاشی‌های امامزاده جعفر نیز نقش یک بز در وسط کاشی دیده می‌شود و نقوش گیاهی به شکل ماهی اطراف بز را احاطه کرده‌اند و شباهت ظاهری و مفهومی با نقش صورالکواکب دارد. (تصویر ۲۳ و ۲۴). نقاط تیره روی بدن بز اشاره به جایگاه ستارگان در برج جدی دارد. رباعی زیر از بابا افضل کاشانی و در ادامه بیتی از شاعری ناشناس

قو:

قو نشان صورت فلکی دجاجة است. این صورت فلکی از صور فلکی شمالی است که شبیه قویی است که در حال می‌باشد. ابوریحان بیرونی در این باره بیان می‌کند: «چون بطی است گردن‌دراز کرده و هر دو پر گشاده بر کردار پرندگان» (بیرونی، ۱۳۵۲: ۹۲). در کاشی‌های زرین‌فام امامزاده جعفر نیز همچون تصویر صورالکواکب بال‌های قو گشوده و در حال پرواز می‌باشد. (تصویر ۱۷ و ۱۸)

خرس: خرس صورت فلکی در آسمان شمالی است و نماد صور فلکی دب اصغر و دب اکبر می‌باشد. در کاشی زرین‌فام امامزاده جعفر نقشی از خرسی می‌بینیم با دوسر. یک سر به سمت جلو و سر دیگری به سمت عقب که نشان دب اکبر و هم دب اصغر می‌باشند. نقاط سیاه درشتی که بر بدن خرس دیده می‌شود همان ستارگانی است که در این صورت‌های فلکی وجود دارند. در اطراف خرس مملو است از نقوش گیاهی و در پایین کاشی برکه ماهی دیده می‌شود.

در اطراف این کاشی سه بیت از فردوسی بی‌ارتباط با تصویر به شرح زیر آمده است. مصرع چهارم نوشته شده در کاشی با شعر فردوسی تفاوت دارد. (تصویر ۱۹ و ۲۰) ادامه نوشته به زبان عربی آمده و خوانا نیست.

جدول ۱: مقایسه تطبیقی نقوش کاشی‌های کوکبی و چلیپا و صورالکواکب سده هفتم کتابخانه ملی پاریس و نقاشی‌های صورالکواکب، مأخذ: نگارندگان.

صورالکواکب (نسخه‌های مختلف)	صورالکواکب سده هفتم کتابخانه ملی پاریس	نقش کاشی‌های کوکبی و چلیپا	صور فلکی
 <p>نسخه سده دهم هجری محفوظ در کتابخانه ملی پاریس</p> <p>نسخه کتابخانه بودلیان</p>			ذات‌الکرسی
 <p>نسخه سده دوازدهم یا سیزدهم محفوظ در کتابخانه ملی پاریس</p>			اسد
 <p>نسخه سده دوازدهم محفوظ در کتابخانه ملی پاریس</p>			جوزا
			عقاب
			دجاجة
			حمل
			دب
			جدی
			حوت

ماهی فلکی همراه با دیگر ستارگان و بروج و نیز به‌تنهایی و بیشتر به‌منظور مدح و بیان تحویل سال و تغییر فصل یا اظهار اطلاع در مسائل نجومی و نیز به‌قصد تصنع و اعنات و تناسب در شعر فراوان آمده است» (مصفی، ۱۳۵۷: ۲۱۴). این نقش در کاشی‌های زرین‌فام امامزاده به‌صورت یک نقش کاملاً تزئینی و تجریدی همراه نقوش گیاهی دیده می‌شود. (تصویر ۲۵ و ۲۶) در اینجا نیز همچون نقش صورالکواکب که ماهی‌ها از دم به هم چسبیده‌اند، به‌صورت فرم گیاهی به هم متصل‌اند. در حاشیه این کاشی سوره‌های اخلاص و نصر آمده است. در کوزه‌ی لعابی و بشقاب آبی-سفید نیز نقش دو ماهی که از دو طرف به هم چسبیده‌اند، دیده می‌شود. (تصویر ۲۷)

بی‌ارتباط با نقش در حاشیه کاشی آمده است و بقیه‌ی آن ناخواناست.

ای عمر عزیز داده بر باد از چهل

وز بی‌خبری کار اجل داشته سهل

اسباب دو صد عمر سگالیده به‌پیش

نایافته از زمانه یک ساعت مهل ۱

(کاشانی، ۱۳۶۶: ۷۶۷)

تاکی تو زهر چشم من تر یابی

نامد گه آنک کارم اندر یابی

ماهی: ماهی‌نماد صورت فلکی حوت یا حوتین و سمکتین است و به شکل دو ماهی است که از دم به یکدیگر مربوط‌اند. «حوت با نام فارسی خود، ماهی و ماهی چرخ و ماهی آسمان و

نتیجه

با تأمل در نقوش کاشی‌های زرین‌فام امامزاده جعفر دامغان و عدم ارتباط آن‌ها و اشعار عاشقانه با این مکان زیارتی و مقدس چنین به دست می‌آید که برای هنرمندان کاشی‌کار صرفاً کشیدن جاندار و نقوش گیاهی اولویت و هدف نبوده؛ بلکه تلاش در بیان مفاهیمی داشته‌اند. از طرفی دیگر اشعار عاشقانه‌ای که در حاشیه برخی از این کاشی‌ها آمده هیچ ارتباطی با نقش کاشی و نیز در مجموع با فضای معنوی مکان ندارد. اولاً با توجه به شباهت نقوش کاشی‌های امامزاده با صور فلکی و دوماً اهمیت نمادهای نجومی در قرون سوم تا هشتم هجری و استفاده در همه جوانب جامعه از جمله امور اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و همچنین زندگی روزمره مردم، پی می‌بریم این نقوش علاوه بر جنبه تزئینی، حاوی مفاهیمی نجومی‌اند که به‌عنوان نقوشی موجه در آن دوران دستمایه هنرمندان واقع شده‌اند.

کتاب صورالکواکب به‌عنوان یکی از مشهورترین کتاب‌های نجومی تاریخ ایران محسوب می‌شود. این کتاب در دوره‌های مختلف نسخه‌برداری شده و غالباً نقاشی‌های آن در این نسخ شبیه به هم هستند. از آنجایی که پیش‌تر نیز اشاره شد؛ به دلیل پیوند زندگی مردم با باورهای نجومی در سده‌های سوم تا هشتم هجری، بی‌شک این کتاب مشهور در دسترس بسیاری از دانشمندان، هنرمندان و اقتشار باسواد جامعه قرار داشته است. بررسی نقوش نجومی بر روی کاشی‌های زرین‌فام امامزاده جعفر (ع) دامغان و مقایسه آن با تصاویر این کتاب، نشان می‌دهد هنرمندان کاشی‌کار آن دوره از طریق این مرجع و شاید کتاب‌های نجومی دیگر، صورت‌ها و نقوش نجومی را شناخته و آن را با دقت در هنر خود به کار می‌بردند. البته با بررسی این نقوش می‌توان دریافت که هنرمند آزادانه برداشت و ذوق هنری خود را نیز در به تصویر کشیدن صورت‌های نجومی به‌کار برده و گاه باورهای شخصی و یا عامیانه رایج در عصر خویش را نیز دخیل داده است. در کاشی‌های کوکبی و چلیپا اگرچه نقوش نجومی جنبه علمی نداشته و بر اساس اصول اخترشناسی نیامده اما می‌توان گفت وجه تصویری و صورت آن‌ها مدنظر نبوده و صرفاً جنبه نمادین و مفهومی این نقوش برای هنرمندان اهمیت داشته است. به همین دلیل استفاده این نقوش در مکانی مقدس همچون امامزاده جعفر منعی نداشته و به‌کار رفته است. با توجه به بررسی نقوش نجومی بر روی کاشی‌های امامزاده جعفر (ع) می‌توان گفت این نقوش از نظر شکل و ترکیب دارای تفاوت‌های اندکی با نقاشی‌های صورالکواکب هستند و هنرمند با توجه به شناختی که نسبت به این نقش‌ها داشته آن را بر روی کاشی‌ها تصویر کرده است.



منابع و مأخذ

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (۱۳۶۳). مطلع الشمس در تاریخ و جغرافیای مشروح بلاد و اماکن خراسان، ج ۳، تهران: نشر فرهنگسرا.
- فقیه بحر العلوم، محمد مهدی. (۱۳۹۳). امامزاده جعفر دامغان، سایت مزارات ایران و جهان اسلام: shrines.ir
- بیرونی، ابوریحان. (۱۳۵۲). التفهیم، با تجدیدنظر و مقدمه جلال الدین همایی، تهران: نشر انجمن آثار ملی.
- حاجی قاسمی، کامبیز. (۱۳۸۹). امامزاده‌ها و مقابر، بخش اول، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- حجتی، صادق. (۱۳۹۳). تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران در عصر آل بویه، تهران: نشر پارسه.
- خزایی، محمد. (۱۳۸۰). «نقش شیر نمود امام علی (ع) در هنر اسلامی»، کتاب ماه هنر، فروردین و اردیبهشت، شماره ۳۱ و ۳۲، صص ۳۹۳۷.
- خلف تبریزی، محمدحسین. (۱۳۴۲). برهان قاطع، به اهتمام محمد معین، جلد دوم، تهران: ابن سینا.
- خلیل شروانی، جمال. (۱۳۷۵). نزهه المجالس، تصحیح و مقدمه و حواشی دکتر محمد امین ریاحی، چاپ دوم، تهران: علمی.
- دیمانند، موریس اسون. (۱۳۸۹). راهنمای صنایع اسلامی، ترجمه عبدالله فریار، تهران: علمی و فرهنگی.
- صاعد اندلسی، ابوالقاسم صاعد بن احمد. (۱۳۸۳). ترجمه التعریف به طبقات الامم، تحقیق تصحیح و ترجمه غلامرضا جمشیدنژاد اول، ج ۲، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- صوفی، عبدالرحمن. (۱۳۶۰). صورالکواکب، ترجمه خواجه نصیرالدین طوسی، تصحیح سید معزالدین مهدوی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- طبری، محمد کاظم بن رضا. (۱۲۶۴). فصول الطبری، محفوظ در کتابخانه و موزه ملی ملک به شماره ۳۳۳۳.
- کاشانی، افضل الدین محمد. (۱۳۶۶). مصنفات، تصحیح مجتبی مینوی یحیی مهدوی، چاپ دوم، تهران: خوارزمی.
- گنجوی، مهستی. (۱۹۸۵). رباعیات، مقدمه رفائیل حسینوف، باکو: یازیچی.
- گیاهی یزدی، حمیدرضا. (۱۳۸۸). تاریخ نجوم در ایران، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ماهیار، عباس. (۱۳۹۳). نجوم قدیم و بازتاب آن در ادب پارسی، تهران: انتشارات اطلاعات.
- مصفی، ابوالفضل. (۱۳۵۷). فرهنگ اصطلاحات نجومی همراه با واژه‌های کیهانی در شعر فارسی، تبریز: انتشارات موسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
- نصر، سید حسین. (۱۳۹۳). علم تمدن در اسلام، ترجمه احمد آرام، تهران: علمی و فرهنگی.
- ولایتی، علی اکبر. (۱۳۹۱). نجوم در ایران و جهان اسلام، تهران: امیرکبیر.
- هاشمی، نجمه. چیت ساریان، امیرحسین. (۱۳۸۹). «نقش خورشید در سفالینه‌های ایران باستان»، کتاب ماه هنر، آذر، شماره ۱۴۷، صص ۱۰۹۱۰۰.
- carboni, Stefani. (1997). "FOLLOWING THE STARS: IMAGES OF THE ZODIAC IN ISLAMIC ART", New York: the metropolitan museum of art.